سندهایی از انقلاب

مروری بر چند سند مختلف از رویدادهای سال ۱۳۵۷ مشهد

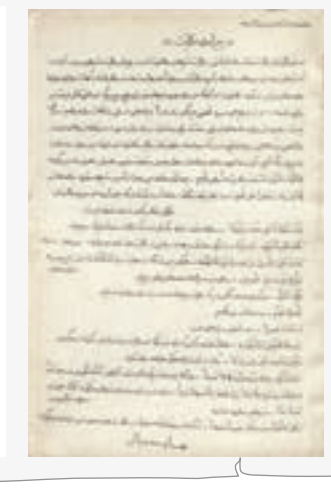
حسین بیات| مشهدی‌ها در آستانه نهضت امام خمینی(ره)، فرازوفرودهای فراوانی را در عرصه فعالیت‌های سیاسی پشت سر گذاشته بودند. با وجود جریانی قدرتمند که در مشهد آشکارا به حمایت از سیاست‌های دربار می‌پرداخت، فعالان مذهبی و ملی شهر توانسته بودند تأثیر خوبی بر روند مبارزات سیاسی کشور داشته باشند.

حتی پس از استقرار حکومت کودتا و شکل‌گیری دیکتاتوری محمدرضا شاهی در سال ۱۳۳۲ مراکزی مانند دارالتعلیم دیانتی، مراکز مذهبی مرحوم عابدزاده و کانون نشر حقایق اسلامی، در کنار روحانیون و فضلای جوانی چون حجت‌الاسلام‌والمسلمین عباس واعظ طبسی که اندیشه‌های مبارزاتی و ضداستبدادی را ترویج می‌دادند، جو حاکم بر مشهد را همچنان حساس به وقایع سیاسی کشور نگه داشته بودند. هم‌زمان با آغاز نهضت امام خمینی(ره) در مشهد، موجی از شور انقلابی نیز فضای این شهر مذهبی را فرا می‌گیرد.

حمایت علمایی نظیر آیت‌ا... العظمی میلانی و آیت‌ا... حسن قمی از نهضت امام خمینی(ره)، اعتراضات گسترده به دستگیری امام(ره) و فجایع فیضیه، زمینه را برای ایجاد پایگاهی قدرتمند در مشهد مهیا می‌کند. این پایگاه با ورود رهبر معظم انقلاب و تشکیل مثلث رهبری انقلاب در مشهد، به‌سرعت گسترش می‌یابد. این شرایط ویژه در مشهد باعث می‌شود تا نخستین راهپیمایی ضد رژیم، به پشتیبانی بیت آیت‌ا... العظمی ابوالحسن شیرازی و همت بانوان طلبه مشهد در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۶ شکل بگیرد، حرکتی که می‌توان آن را سرآغاز تحرکات انقلابی در کل کشور دانست. به دنبال آن مشهد در سال ۱۳۵۷ به کانونی برای حرکت‌های ضد رژیم تبدیل می‌شود. ابتدا تشییع جنازه شیخ احمد کافی، واعظ شهیر، در تیرماه سال ۱۳۵۷ به درگیری مردم با عوامل ساواک منجر می‌شود تا مشهد تابستان ملتهبی را پشت سر بگذارد. این فعالیت‌ها در پاییز همین سال به اوج می‌رسد و اجتماع مقابل بیمارستان ۱۷ شهریور، تحصن در ورزشگاه تختی و اعتراضات خیابانی گسترده، سبب می‌شود تا رژیم شاه خشونت بیشتری را در حمله به بیمارستان امام رضا(ع) و مهار اعتراضات نهم‌ودهم دی‌ماه به‌خرج دهد. مجموعه این فعالیت‌ها سبب شده است تا مردم مشهد، نام خود را به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین ارکان انقلابی کشور در تاریخ به ثبت برسانند. دهه فجر فرصتی فراهم آورد تا چند سند رسمی و مختلف از حوادث انقلاب مشهد را اینجا منتشر کنیم.

تفسیرهایی که برای حکومت گران تمام شد

یکی از برگه‌های پلی‌کپی مباحث طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن که قبل از جلسات در بین مستمعان مسجد امام حسن مجتبی(ع) توزیع می‌شد. این برگه‌ها خلاصه‌ای بودند از مباحث جلسه پیش‌رو و به‌نوعی مخاطب را آماده شنیدن صحبت‌هایی می‌کردند که پیش از آن در مسجد دیگری نشنیده بود. مسجد امام حسن مجتبی(ع) به امامت رهبر معظم انقلاب از این نظر در میان مساجد مشهدی پیشرو است. این برگه‌ها به حدی خواهان داشت که حاضر بودند برای داشتنش مبلغی را هم بپردازند؛ بهای این برگه که مربوط است به جلسه سه‌شنبه، ۲۳ مهر ۱۳۵۳، ۳ ریال بوده است. مباحث طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن که به ابتکار امام جماعت مسجد مطرح می‌شد واکنش های گوناگونی را برانگیخت. افزون بر علاقه‌مندان و مستمعان مباحث که ارتباط خوبی با محتوا و روش ابتکاری ارائه آن برقرار کرده بودند، ۲ گروه تلقی چندان مثبتی از این برنامه نداشتند. گروه نخست، بخشی از بدنه مذهبی آن روزهای شهر مشهد بود که با دیده تردید به نوآوری‌های مباحث و تفسیرهای مقام معظم رهبری می‌نگریست و گروه دوم که به‌شدت برنامه مسجد امام حسن مجتبی(ع) را زیر نظر داشت، نهادهای امنیتی رژیم پهلوی و به ویژه سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) بود.





حضور چشمگیر زنان

زن‌های مشهدی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ یک راهپیمایی برگزار کرده بودند که بسیار سروصدا کرد. آن‌ها به نوعی چراغ مبارزات عمومی را در مشهد روشن کرده بودند، از این جهت راهپیمایی در سالگرد این اتفاق اهمیت ویژه‌ای داشت، هم برای مردم و هم برای حکومت. این عین متن گزارش ساواک است از وضعیت مشهد در ۱۷ دی ۱۳۵۷. «این راهپیمایی از ساعت ۱۰:۳۰ شروع شد و ساعت ۱۲ پایان یافت و بیش از یکصد هزار زن چادر مشکی و غیره در آن شرکت داشتند که عده‌ای با دردست داشتن بچه شیرخوار از زنان شهرهای استان مانند تربت‌حیدریه و نیشابور و حومه نظیر طرقبه و غیره نیز شرکت کرده بودند. ساعت ۱۲ بعد از اذان ظهر سخنرانی شروع شد.



جایگاه «بسیار مهم» مدارس و مساجد

بنا برگزارش فرماندار نظامی مشهد در دی‌ماه ۱۳۵۷ مدارس و مساجد حساس‌ترین نقاط شهر بوده‌اند.

در دی‌ماه سال ۵۷، کنترل شهر از دست قوای امنیتی خارج شده بود و آن‌ها تلاش می‌کردند به هر نحوی شده بر اوضاع مسلط شوند. یکی از راه‌های تسلط بر شهر کنترل پایگاه‌های مردمی بود. در طرح تأمین امنیت شهر مشهد که از سوی سرهنگ افشار گرجی برنامه‌ریزی شده، نقاط شهر به قسمت «حساس»، «مهم» و «خیلی مهم» تقسیم شده بود. نگاهی به اسامی این اماکن مؤید آن است که مساجد چه جایگاهی در حرکت‌های انقلابی مشهد برعهده داشته‌اند.



حاضرم خمینی را ترور کنم!

در جریان رسیدگی به سوابق و پرونده‌های درجه‌داران در لشکر ۷۷ خراسان، مأموران ویژه رسیدگی و تحقیق، به موضوعی برمی‌خورند که بسیار شگفت‌انگیز است. این مدرک نامه یکی از استواران لشکر است که در بحبوحه انقلاب و در اوج خشم و درگیری مردم با عوامل رژیم سابق به فرماندار نظامی مشهد، پیشنهادی داده که بسیار عجیب به نظر می‌رسد؛ زیرا که در این تاریخ آن هم در مشهد همه به سقوط حکومت شاه واقف هستند.

نامه مذکور عینا بدین شرح است:

توسط فرمانداری نظامی مشهد (سری)

به تیمسار ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران

من که جزو فداییان سرسخت شاهنشاه می‌باشم، حاضرم به‌خاطر نجات ایران و راهگشایی به مراجعت شاهنشاه آریامهر، بزرگ ارتشتاران، به ایران که تنها راه‌حل بحران کنونی محسوب می‌شود، نسبت به ترور خمینی که باعث انقلاب، شورش، ادامه اعتصاب، کشتار، آتش‌سوزی و خروج شاه گردیده است اقدام و مسئولیت قتل وی را شخصا قبول و نیز حاضرم نسبت به امور طراحی در صورت انجام کودتای نظامی و کشتار دسته‌جمعی مخالفین شرکت نمایم.

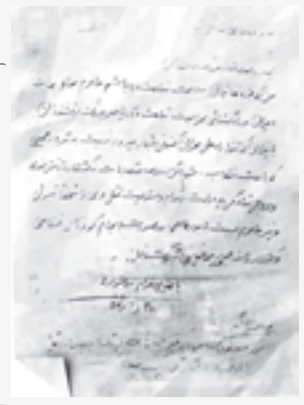
با تقدیم احترام استوار یکم

به تاریخ ۱۳۵۷ / ۱۰ / ۳۰

توضیح ضداطلاعات لشکر در پایین نامه مذکور چنین است:

ضداطلاعات لشکر: این درجه‌دار خوبی است که دارای چنین احساساتی است. این برگ را در پرونده او بایگانی و در موقع لزوم از او استفاده گردد.

تاریخ ۱۳۵۷ / ۱۰ / ۳۰



در روزهای دهه فجر امسال قصد داریم از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ خورشیدی روایت رویدادهای انقلاب مشهد را در سه فصل (خیزش، قیام و پیروزی) از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ در هفت قسمت روایت کنیم. با ما همراه باشید.

روایت هایی از روند رویدادهای انقلابی در مشهد (قسمت سوم فصل دوم)

تابستان داغ انقلاب در مشهد

مرضیه ترابی

ضرب‌المثل مشهوری است که می‌گوید «سالی که نکوست از بهارش پیداست»؛ وقتی بهار سال ۱۳۵۷ مشهد، آن‌طور پرحادثه باشد، نمی‌شود توقع تابستان آرام و بدون رویدادی را داشت. دوم تیرماه بود که اعلامیه‌ای مفصل در حمایت از امام خمینی(ره) و ابراز همدردی با خانواده‌های شهدای انقلاب منتشر شد؛ اعلامیه‌ای که زیر آن، نام «جمعیت زنان مسلمان خراسان» را زده بودند. ساواک خیلی سعی کرد که عاملان انتشار اعلامیه را پیدا کند، اما موفق نشد. مشهد تیرماه سال ۱۳۵۷، شاهد تظاهرات پراکنده‌ای بود، اجتماعاتی که تقریبا به صورت روزانه برگزار می‌شدند که افزایش آن‌ها، رژیم را سخت نگران می‌کرد.

درگذشت مشکوک شیخ احمد کافی

درست زمانی که تجمعات سیر صعودی به خودش گرفت، خبر درگذشت مشکوک شیخ احمد کافی، واعظ معروف، شوک سنگینی را به جامعه وارد کرد. باور عمومی این بود که رژیم پهلوی، مرحوم کافی را به شهادت رسانده‌است. هرچند درباره درستی یا نادرستی این باور حرف و حدیث بسیار است، اما چنین دیدگاهی ریشه در حقایقی داشت که نمی‌شد از کنار آن‌ها به سادگی گذشت. علت سفر مرحوم کافی به مشهد، استنکاف وی از پذیرش دستور ساواک، مبنی بر برگزاری جشن نیمه‌شعبان در مهدیه تهران بود؛ تحریم جشن‌های نیمه شعبان در اعتراض به جنایات رژیم شاه و با محافظ تردد کند! او پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، از ایران گریخت. قدر مسلّم آن است که رفتارهای توأم با خشونت، مردم را نسبت به رژیم خشمگین‌تر کرده‌بود. این موضوع شاید برای نخستین‌بار، در میان نظامیان حاضر در مشهد نیز به چشم آمد. روز ۲۳ مرداد سال ۱۳۵۷، مصادف با ۹ رمضان، محمدرضا حافظ‌نیا، افسر وظیفه لشکر خراسان، سرلشکر شهیرمطلق، فرمانده لشکر را به‌دلیل صدور فرمان شلیک به سمت مردم، هدف قرار داد. شهیرمطلق به شدت زخمی شد، اما از مرگ جان به در برد. حافظ‌نیا را مدتی بعد به شهادت رساندند.

ولیان رفت اما التهاب تمام نشد

با کنار رفتن جمشید آموزگار از قدرت و نخست‌وزیر شدن جعفر شریف‌امامی در شهریور ۱۳۵۷، آن هم با شعار عوام‌فریبِ «آشتی ملی»، عبدالعظیم ولیان بعد از ۱۷۵۰ روز استانداری خراسان و خون مردم مشهد را در شیشه کردن، برکنار شد و جای خودش را به امیرعزیزی داد. باور رژیم این بود که شاید تعویض عوامل بدنامش بتواند از شتاب انقلاب در مشهد بکاهد؛ اما چنین نشد. روز نُهُم شهریور، مدرسه علمیه نوّاب که قدمتش به عهد صفویه می‌رسید، میزبان مراسم چهلم مرحوم شیخ احمد کافی بود. سخنرانی شورانگیز حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد و در پی آن، حمایت علمای حاضر از اعتراضات مردمی، باعث شد راهپیمایی بزرگی از مقابل این مدرسه علمیه قدیمی آغاز شود. راهپیمایان از طریق بازارچه حاج‌آقاجان، خودشان را به خیابان طبرسی رساندند، اما در آنجا، نیروهای امنیتی مردم را هدف گلوله قرار دادند؛ رضا حسن‌زاده، جوان هجده ساله و محصل، به شهادت رسید. مهندس جوانی به نام علیرضا مهدی‌زاده حکاک، به‌جنایت عوامل رژیم اعتراض کرد؛ ولی این اعتراض با گلوله پاسخ داده شد و مهندس مهدی‌زاده نیز در خون خودش درغلتید. شهادت مهندس مهدی‌زاده، اعتراضات دیگری را در پی داشت؛ در ۱۵ شهریور ۱۳۵۷، مراسم ختم او در خیابان راهنمایی، به برپایی راهپیمایی بزرگی منجر شد که مأموران، با خشونت بسیار، توانستند مانع از گسترش آن شوند؛ اما روز بعد از آن، بزرگ‌ترین تظاهرات ضدرژیم که تا آن زمان در مشهد شکل گرفته‌بود، برگزار شد. هزاران نفر از مردم، هم‌زمان با تهران و دیگر شهرهای ایران، در اعتراض به دولت شریف امامی، وارد میدان شدند. خیابان‌های منتهی به حرم، از جمعیت موج می‌زد؛ طولی نکشید که خشونت علیه مردم آغاز شد و در تیراندازی مأموران، چهارده نفر به شدت مجروح شدند و سه نفر به نام‌های «انیس خوش‌قدم»، «محمدجمال فریدزاده» و «احمد عرفانی» در میدان دقیقی (فلکه آب) به ضرب گلوله مأموران شاه به شهادت رسیدند. شهیدان فریدزاده و عرفانی، هر دو هفده‌سال داشتند. شهید عرفانی از شاگردان آیت‌ا... خامنه‌ای در جلسات درس تفسیر مسجد کرامت و امام حسن مجتبی(ع) بود. به نظر می‌رسید که دامنه اعتراضات هر روز بیش از گذشته افزایش می‌یافت و تابستان داغ انقلاب در سال ۱۳۵۷، طلیعه پاییز و زمستانی سرنوشت‌ساز بود.



تصویری از تشییع جنازه آقای کافی

مساجد انقلابی مشهد

برنامه‌ریزی نخستین راهپیمایی انقلاب

نگاهی به نقش مسجدالرضا(ع) در برنامه‌ریزی مبارزات انقلاب اسلامی



زهرا بیات

مسجدالرضا(ع) از طرفی به چهارراه لشکر و از سوی دیگر به محدوده استانداری نزدیک است که محل اغلب تجمع‌های مردم در روزهای انقلاب است. در نتیجه در هیچ صورتی نمی‌تواند از جریان مبارزات انقلابی منفک و جدا باشد. سوای این‌ها امام‌جماعت این مسجد خود یکی از چهره‌های انقلابی و مبارز مشهد است؛ حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسین موسوی خراسانی. او داماد آیت‌ا... حاج شیخ ابوالحسن مقدسی (ملقب به شیخ ابوالحسن شیرازی، اولین امام جمعه مشهد پس از انقلاب) است و هم‌زمان با سال‌های آغاز نهضت امام(ره)، کار آموزش و مبارزه را در مسجدالرضا(ع) به‌عنوان یکی از پایگاه‌های فعال مبارزاتی شروع می‌کند. این فعالیت روزبه‌روز جدی‌تر می‌شود به‌نحوی که در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب به دلیل موقعیت استراتژیک این مسجد، پررنگ و پررنگ‌تر خودش را در هدایت مردم انقلابی نشان می‌دهد.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسین موسوی خراسانی در تشریح فعالیت‌های مبارزاتی این مسجد قبل از انقلاب می‌گوید: «سال ۵۷ علاوه بر فعالیت‌هایی که خودمان به‌صورت مجزا داشتیم، مسجد هم به کانون درگیری تبدیل شد. مثلا یادم هست اوایل رمضان یک روز بعد از اینکه مردم از مسجد خارج شدند، پریشان دوباره برگشتند داخل مسجد. وقتی رفتیم بیرون، دیدیم عوامل رژیم جلوی در مسجد تجمع کرده‌اند و بین خودشان مسیری باز گذاشته‌اند تا مردم خارج شوند، اما زمانی که مردم می‌خواهند بروند بیرون، با هر وسیله‌ای که در دست دارند به آن‌ها ضربه می‌زنند. خلاصه از این درگیری‌ها بین مردم و عوامل رژیم در این محله زیاد بود که بیشترش از مسجدالرضا(ع) شروع می‌شد.»

البته نکته دیگری که فعالیت مسجدالرضا(ع) را با اهمیت‌تر می‌کند، سامان‌دهی حرکت‌های زنان در جریان انقلاب اسلامی است که به همت صدیقه مقدسی، همسر حجت‌الاسلام‌والمسلمین موسوی خراسانی، شکل می‌گیرد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین موسوی خراسانی در توضیح فعالیت زنان می‌گوید: «اواخر دهه ۴۰ بود که به فکر افتادیم همراه با همسرم مکانی را برای فعالیت‌های خانم‌ها ایجاد کنیم. دلیل این تصمیم هم این بود که به نسبت تقاضایی که برای فعالیت دینی و انقلابی خانم‌ها وجود داشت، فضای کافی در مسجد برای این کار نداشتیم. در نتیجه حدود سال ۴۷ مدرسه اسلام‌شناسی حضرت زهرا(س) آغاز به کار کرد. این مدرسه در پوشش فعالیت آموزشی، اهداف مبارزاتی بر ضد رژیم شاهنشاهی را هم پیگیری می‌کرد و روزبه‌روز بر دامنه فعالیت خود وسعت می‌داد.»

نقطه اوج فعالیت مدرسه اسلام‌شناسی هم راهپیمایی ۱۷ دی‌ماه سال ۱۳۵۶ است. این راهپیمایی هرچند در تاریخ به نام همه زنان مبارز مشهد ثبت شده است، اما زمینه آن در این مدرسه و مسجدالرضا(ع) ایجاد می‌شود. خانم‌های این مدرسه تصمیم می‌گیرند در واکنش به جشن سالگرد کشف حجاب که در میدان مجسمه (شهدای فعلی) برگزار می‌شود، راهپیمایی‌ای اعتراضی را سامان دهند. یک حرکت بی‌سابقه چرا که تا آن روز هیچ‌وقت پیش نیامده بود که خانم‌ها به طور مستقل حرکتی این‌چنینی انجام دهند.

صدیقه مقدسی که هم‌زمان با مدیریت مدرسه اسلام‌شناسی، همراه همسر خود فعالیت‌های مخفی انقلابی خود را شروع کرده است، در اواسط دهه ۵۰ به عنوان یکی از شاخص‌ترین شخصیت‌های انقلابی مشهد شناخته می‌شود؛ در واقع او مجری و شکل‌دهنده تظاهرات زنان مشهدی در روز اعلام فرمان کشف حجاب (۱۷ دی) سال ۵۶ است. حرکتی که با حضور خانم‌ها غفاریان، همشیره آیت‌ا... خامنه‌ای، معصومه متحدین و حدود ۳۰۰ تن دیگر از بانوان مشهدی به نخستین اعتراض رسمی و عمومی ایران بدل می‌گردد. صدیقه مقدسی در گفت‌وگویی که پیش از وفاتش با شهرآرا داشته، از چندوچون این حرکت تاریخی گفته است. او در این گفت‌وگو می‌گوید «پاییز سال ۵۶ بود. تعداد شاگردان انقلابی‌ام که زیاد شده بود، تصمیم گرفتم اولین راهپیمایی ضد رژیم را راه بیندازم. شاگردانم را جمع کردم. موضوع را اطلاع دادم و حتی برای درگیری احتمالی هم توضیح دادم. تأکیدم هم روی این بود که برای جلوگیری از دستگیری، زنان شعار ندهند. فقط چادر سر داشته باشند و قرآن‌هایشان را هم به دست بگیرند. قرار شد بانوان برای آغاز راهپیمایی ضد رژیم شاه در محلی نزدیک حرم تجمع کنند: حسینیه «نخودبریزها» در میدان بیت‌المقدس. اگر اشتباه نکنم این مکان از طرف آقای شیخ حسین صفایی با دادن مبلغی اجاره شد. به مسئولش هم گفته بودند قرار است کسی از تهران بیاید و برای زن‌ها سخنرانی کند. زمانی که روز موعود تعداد زیادی از بانوان این مدرسه به همراه زنان همسایه و فامیل‌هایشان آمدند. جمعیت را با قرآن‌هایی که جلوی چادرهایشان گرفته بودند حرکت دادم و تا حرم راهپیمایی کردیم. این اولین راهپیمایی زنان مبارز بود که از طرف مدرسه اسلام‌شناسی در مشهد انجام شد و راهپیمایی ۱۷ دی ۵۶ دومین راهپیمایی عمومی زنان در مشهد و کشور بود. ۲ روز بعد آن بود که مردم قم هم اعتراض میدانی‌شان را آغاز کردند.»

این اقدام زنان مشهدی در حالی شکل می‌گیرد که هنوز حرکت عمومی و گروهی مبارزه با رژیم در مشهد شکل نگرفته است. به همین دلیل وقتی که مردهای کوچه و بازار زن‌ها را در حال راهپیمایی به سمت حرم می‌بینند با تعجب و بهت به یکدیگر می‌گویند: «زنان هم به میدان آمدند و ما هنوز کاری نکرده‌ایم.» حرکت زنان انقلابی مشهد نوعی تشویق مردان برای حضور در معرکه انقلاب است؛ همین است که دومین راهپیمایی عمومی مشهد در تابستان ۵۷ با حضور پرشمار مردان برگزار می‌شود.

پی نوشت: وجود قیام دیگری مشابه حرکت زنان در سال ۵۶ یعنی در ۲۴ مرداد ۱۳۵۷ که آن هم توسط زنان مشهدی انجام می‌شود و شرکت‌کنندگان مشترکی هم دارد، به جابه‌جایی اطلاعات این دو حرکت منجر شده است. به‌واسطه همین جابه‌جایی اطلاعات است که خیلی‌ها، مرحوم صدیقه مقدسی را یکی از دستگیرشده‌های تظاهرات ۱۷ دی ۵۶ می‌دانند، اما دستگیری این بانوی انقلابی مربوط به راهپیمایی‌ای است که زنان در روز ۲۴ مرداد ۵۷ علیه رژیم برپا می‌کنند.